



۱۷. «وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ هَلْ يَوْمُ الرَّجُلِ بِأَهْلِهِ فِي صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ فِي السَّطْحِ أَوْ فِي بَيْتٍ قَالَ لَا يَوْمٌ بِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ وَلَا يَسَّ عَلَى النِّسَاءِ خُرُوجٌ وَقَالَ أَقْلُوا لَهُنَّ مِنَ الْهَيْئَةِ حَتَّى لَا يَسْأَلَنَّ الْخُرُوجَ.»^۱

۱۸. «مُحَمَّدُ بْنُ مَكِّيٍّ الشَّهِيدُ فِي الذِّكْرِ قَالَ رَوَى ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمَاعَةٍ مِنْهُمْ حَمَّادُ بْنُ عُثْمَانَ وَهَشَامُ بْنُ سَالِمٍ عَنِ الصَّادِقِ ع أَنَّهُ قَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يَخْرُجَ النِّسَاءُ بِالْعِيدَيْنِ لِلتَّعَرُّضِ لِلرِّزْقِ.»^۲

۱۹. «قَالَ وَرَوَى أَبُو إِسْحَاقَ إِبرَاهِيمُ النَّقْفِيُّ فِي كِتَابِهِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ قَالَ: لَا تَحْسِبُوا النِّسَاءَ مِنَ الْخُرُوجِ إِلَى الْعِيدَيْنِ فَهُوَ عَلَيْهِنَّ وَاجِبٌ.»^۳

صاحب وسائل این روایت را حمل بر استحباب کرده است.

۲۰. «عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ النِّسَاءِ هَلْ عَلَيْهِنَّ مِنْ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ وَالْجُمُعَةِ مَا عَلَى الرَّجَالِ قَالَ نَعَمْ.»^۴

۲۱. «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لَا تَبْدَءُوا النِّسَاءَ بِالسَّلَامِ وَلَا تَدْعُوهُنَّ إِلَى الطَّعَامِ فَإِنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ النِّسَاءُ عِيٌّ وَعَوْرَةٌ فَاسْتُرُوا عِيَّهُنَّ بِالسُّكُوتِ وَاسْتُرُوا عَوْرَاتِهِنَّ بِالْبَيُوتِ.»^۵

۲۲. «وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: لَا تُسَلِّمُ عَلَى الْمَرْأَةِ.»^۶

۲۳. «وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ رَبِيعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُسَلِّمُ عَلَى النِّسَاءِ وَ يَرُدُّنَّ عَلَيْهِ وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يُسَلِّمُ عَلَى

۱. همان، ج ۷، ص ۴۷۱

۲. همان، ص ۴۷۲

۳. همان، ص ۴۷۲

۴. همان، ص ۴۷۳

۵. همان، ص ۲۳۴.

۶. همان، ص ۲۳۴.



النِّسَاءِ وَكَانَ يَكْرَهُ أَنْ يُسَلَّمَ عَلَى الشَّابَّةِ مِنْهُنَّ وَ يَقُولُ أَتَخَوَّفُ أَنْ يُعْجِبَنِي صَوْتُهَا فَيَدْخُلَ عَلَيَّ
أَكْثَرَ مِمَّا طَلَبْتُ مِنَ الْأَجْرِ.»^۱

صدوق ذیل این حدیث می نویسد:

«إِنَّمَا قَالَ ذَلِكَ لِغَيْرِهِ وَإِنْ عَبَّرَ عَنْ نَفْسِهِ وَ أَرَادَ بِذَلِكَ أَيْضًا التَّخَوُّفَ مِنْ أَنْ يَظُنَّ بِهِ ظَانَ أَنَّهُ
يُعْجِبُهُ صَوْتُهَا فَيَكْفُر.»^۲

۲۴. «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ
الْجَهْمِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ يَدْخُلَ الرَّجَالُ عَلَى
النِّسَاءِ إِلَّا (بِإِذْنِ أَوْلِيَائِهِنَّ)»^۳

اما جعفر بن عمر توثیق نشده است، ضمن اینکه برخی از نسخه های کافی به جای جعفر بن عمر، حفص بن
عمر ضبط شده است، ممکن است نقل هارون بن جهم از او را سند وثاقت او بدانیم.



۱. همان، ص ۲۳۵.

۲. همان، ص ۲۳۵.

۳. همان، ص ۲۱۴، باب ۱۱۸.



ما می گوئیم:

۱. روایات ۱، ۲، ۳، مربوط به صورتی است که مردان و زنان در محیط خارج از منزل مزاحم یکدیگر می شدند، به گونه ای که زنان مردان مزاحم را طرد می کرده اند، (یدافعن) و یا زنان مزاحم مردان می شدند (غیاث بن ابراهیم هم مورد توثیق است).^۱
۲. روایت ۵، مربوط به اختلاط است در صورتی که تکلم در آن باشد و به هم صحبتی ختم شود، ضمن اینکه حدیث نواهی چنانکه مفصل گفته شده است، مشتمل بر مکروهات و محرمات است و بدون قرینه نمی توان، آن را حمل بر حرمت کرد.
۳. روایات ۸، ۹، ۱۷، بر فرض که پذیرفته شود، دال بر رجحان حضور زنان در منزل است ولی اختلاط در محیط منزل را ناظر نیست.
۴. روایت ۱۰، استحباب عدم اختلاط را معلوم می کند.
۵. روایات ۶، ۱۱، ۱۲ نیز به الغاء خصوصیت دلالت بر عدم اختلاط دارد ولی معارض با روایات ۱۸، ۱۹، ۲۰، است.
۶. روایت ۱۴ بیان حکم اختلافی است به قرینه «جدال با احمق» که در روایت مورد اشاره است.
۷. روایات ۱۵، ۱۶، دال بر حرمت نوعی خاص از اختلاط است که همراه با شوخی کردن باشد.
۸. روایات ۲۱، ۲۲، ۲۳، دال بر کراهت اختلاط است در صورتی که با سخن همراه باشد.
۹. روایت ۲۳، تعلیلی دارد که می تواند حکم را دائر مدار خود کند و آن «خوف افتادن در گناه» است.
۱۰. ممکن است همین را بتوان از روایت ۲۴، استفاده کرد چراکه اگر نفس اختلاط به صورت مطلق حرام باشد، اذن اولیاء نمی توانست آنرا تحلیل کند و لذا شاید بتوان گفت روایت ناظر به صورتی است که ریه در آن موجود نیست چراکه اگر احتمال ریه نساء اجازه دخول رجال را نمی دهند.



۱. رجال نجاشی، ص ۳۰۵.



جمع بندی:

با توجه به زندگی قبیله ای که در آن روزگار شایع بوده است و لازمه آن اختلاط زن و مرد با یکدیگر بود چنانکه در برخی حکایات تاریخی، حضور برخی مردان با زنان پیامبر در حضور آن حضرت و در موقع صرف غذا و یا حضور زنان در میادین جنگ برای مداوا یا حضور در محیط های تجارت نقل شده است، و با توجه به کثرت ابتلای این امر در بازار و زندگی روزمره، اعم از زندگی شهری و روستایی، و با توجه به مجموعه روایات می توان گفت:

اگر اختلاط زن و مرد از حد متعارف خارج شود و به بذله گویی و شوخی منجر شود، بعید نیست با توجه به روایت ۱۵، ۲، ۱، ۱۶ بتوان حکم به حرمت آن نمود (روایت ۱۵، دارای سند نیست و از «عبدالله بن عباس» و «ابوهریره» نقل شده است ولی روایت ۱۶ صحیحه می باشد). (حسین بن مختار نیز مورد توثیق است) و روایات ۱، ۳ نیز مورد قبول است)

و اگر اختلاط به این حد نمی رسد، می توان گفت اختلاط مکروه است الا در صورتی که احتمال ریبه وجود نداشته باشد (مثل فرض روایت ۱۳)

